

برنامه تا آسمان

اسماء و صفات الهی ۲۰

رزاقیت خداوند ۱

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۰۱/۱۲/۱۴ مقارن با ۱۴۴۴/۰۸/۱۲ هجری قمری

(مجری)

امروز در خدمت شما هستیم، در چهاردهمین روز از اسفند ماه و دوازدهمین روز از ماه شعبان المعظم، میزبان حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آقای رضایی تهرانی هستیم، خدمتشان سلام عرض می‌کنم، عرض خوش آمد و تشکر از حضور شما.

(استاد)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من هم عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرت عالی و همه بینندگان ثابت‌قدم این برنامه. من هم عید مسعود خاتم الاوصیاء (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را خدمت بینندگان، شیعیان امیرالمومنین (علیه السلام) بلکه مسلمین و جهان بشریت تبریک عرض می‌کنم.

(مجری)

سلامت باشید، خیلی خوش آمدید، ممنونم که امروز هم قبول زحمت کردید. بحث ما صفات خدا هست و از امروز در مورد یک صفت دیگر حضرت حق قرار است که صحبت کنیم، آن هم صفت رزاقیت است. این صفت و رزاقیت خدا را همه ما شنیدیم و همه شاملش هستیم، یعنی رزق خودمان را از خدا می‌گیریم و بالاترین رزاق در دنیا و عالم خود خدا است و رزق همه ما به گردن خدا است اما در این باره می‌خواهیم بیشتر صحبت کنیم، بیان شیوایی که حاج آقای رضایی تهرانی برایمان دارند و دعوت می‌کنم با ما همراهی بفرمایید، چند جلسه در این باره و این صفت صحبت خواهیم کرد و بحث طول خواهد کشید که ان شاء الله فرصت داشته باشید و برنامه‌ریزی کنید که در خدمت شما باشیم.

اما حاج آقا در مورد صفت رزاقیت من مثل همیشه این‌طور سوالم را پرسیم که اول تعریفی از آن داشته باشیم. صفت روزی‌رسانی پروردگار در دین اسلام با چه واژه‌هایی بیان شده است، بین این واژه‌ها چه تفاوت معنایی وجود دارد؟

(استاد)

بله، همانطور که حضرت عالی فرمودید، یکی از صفات مشهور پروردگار صفت رزاقیت است چون صفات الهی در شهرت، یکسان و مساوی نیستند. بعضی از صفات برای ما مشهورتر هستند. صفت رازق و رزاق از صفات مشهور خدای متعال است. این صفت با عباراتی در دین ما مورد توجه قرار گرفته که این عبارات ابعاد این صفت در پروردگار را می‌تواند نشانگر باشد. اولین واژه‌ای که در این زمینه به کار رفته، واژه رازق است؛ رازق اسم فاعل است، یعنی روزی‌دهنده، کسی که روزی می‌دهد و روزی می‌بخشد خدای متعال است.

دومین صفت که در کلام شما هم آمده بود، صفت رزاقیت است. رزاق صیغه مبالغه است، یعنی کسی که نه تنها روزی می‌دهد، فراوان روزی می‌دهد، زیاد روزی می‌دهد. رزاق مبالغه در رازق است.

پس اصل رزق به دست او است، فراوانی رزق هم به دست او است. حالا این فراوانی به دو گونه قابل تقسیم است:

۱. مرزوق‌های خداوند متعال فراوان هستند که هیچ موجودی نیست مگر به گونه‌ای روزی‌خور پروردگار است.

۲. یا این که خداوند متعال نسبت به انسان‌ها مثلاً، نسبت به بعضی روزی را **يَبْسُطُ** و نسبت به بعضی روزی را **يَقْدِرُ**. نسبت به بعضی گشاده‌دستی می‌کند، نسبت به بعضی آن‌چنان گشاده‌دستی نمی‌کند.

صفت سوم «**خَيْرُ الرَّازِقِينَ**» است. خداوند متعال نه تنها روزی می‌دهد و فراوان می‌دهد، بهترین روزی‌دهنده است.

حالا در واژه خیر یک اختلافی است که مرحوم علامه طباطبایی در المیزان دارند، خیر گاهی به معنای منتخب است. «خَيْرُ الرَّزَقِينَ» یعنی روزی دهنده‌ای که مورد انتخاب و مورد گزیده شدن از طرف روزی خورندگان است یا به معنای بهترین (است)، هر کدام که باشد، خدای متعال «خَيْرُ الرَّزَقِينَ» است. قهراً این سوال پیش می‌آید و این سوال را به آن خواهیم پرداخت که آیا مگر ما جز خدای متعال روزی دهنده‌ای داریم که بگوییم خدای متعال «خَيْرُ الرَّزَقِينَ» است؟

نظیر این تعبیرات در دین فراوان است، مثل این که می‌گوییم خدای متعال «أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ»، است، در همه این‌ها قهراً این سوال قابل دقت است. «خَيْرُ الرَّزَقِينَ» یعنی در میان آنان که روزی می‌دهند که به بحثش خواهیم رسید که هیچ‌کس جز خدای متعال روزی دهنده حقیقی نیست، او بهترین و مورد انتخاب است. چرا او مورد انتخاب است، باز این مود توجه است که چند تفاوت بین خدای متعال و سایرین وجود دارد که آن باعث می‌شود خدای متعال «خَيْرُ الرَّزَقِينَ» باشد و مورد انتخاب باشد.

صفت چهارمی که در مورد خدای متعال گفته می‌شود، «يَا مَنْ يَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ»، است، خدا روزی می‌دهد ولی دیگر روزی خور نیست. غیر از خدای متعال، هر موجودی، اگر نقشی در روزی دادن دارد، خود روزی خور هم هست اما خدای متعال سفره‌داری است که همه بر سر سفره او نشسته‌اند و او بر سر سفره دیگری نشسته است. پنجم، گفته می‌شود که «يَارَازِقُ مَنْ إِسْتَرْزَقَهُ»، هر کس از خدای متعال طلب رزق کند، خدا به او نه نمی‌گوید و در این زمینه خدا چینی عمل نمی‌کند.

و لذا صفت ششم این می‌شود که «يَارَازِقُ الطِّفْلَ الصَّغِيرَ».

صفت هفتم می‌شود «يَارَاحِمُ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ».

حالا طفل صغیری که نمی‌تواند مگس را از خود بپراند، مورد روزی الهی است، شیخ کبیری که احیاناً آرزایمر گرفته، دست چپ و راستش را تشخیص نمی‌دهد، او هم مورد غفلت خدای متعال نیست.

در روایتی از امام علی (علیه السلام) دیدم، «كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانَ ابْنَهُ أَنْ قَالَ لَهُ: يَا بُنَيَّ! (۱)؛ امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود که لقمان به پسرش گفت که پسر جان «لِيَعْتَبِرَ مَنْ قَصَرَ يَقِينَهُ وَضَعُفَتْ نَيْتُهُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَهُ فِي ثَلَاثَةِ أَحْوَالٍ مِنْ أَمْرِهِ».

اگر یک کسی یک موقعی شک و شبهه‌ای در ارتباط با بحث روزی به دلش نشست که حالا ما هشت ماه دیگر می‌خواهیم بازنشسته بشویم، حالا بعد از بازنشستگی که حقوقمان حالا کم می‌شود، حالا چه بکنیم، ما هم که پا بر سن گذاشته‌ایم. می‌گوید این را یادش بیاید که در سه موسم خدای متعال به او روزی داده و او اصلاً از این روزی دهنده و روزی دادن خبری نداشته است.

مگر در شکم مادر خدا به ما روزی نمی‌دهد، مگر ما خبر داشتیم؟!

مگر وقتی ما به دنیا آمدیم، مادر ما را زیر سینه خود گرفت، شیری با آن لطافت که هنوز بشر نتوانسته مثل او بسازد، برای ما آماده نکرده بود؟!

لقمان به پسرش می‌گوید که خوب نگاه کن، نترس، یقین داشته باش که خدای متعال رزاق است.

هشتم، فرمود که «يَا مَنْ فِي السَّمَاءِ الرِّزْقُ» یعنی چه؟

یعنی رزق گرچه از زمین هم می‌جوشد، اصلاً خدای متعال رزق و روزی را در زمین پهن کرده است ولی به ما گفته که اگر از زمین هم می‌خوری، نگاهت به آسمان باشد، نگاهت، نگاه متعالی باشد. گمان نکن فقط دسترنج خود را داری می‌خوری، این دسترنج اگر از آسمان تقدیر و تدبیر نشده باشد، چیزی از او بر نمی‌آید. قرآن می‌گوید که صبح بلند شوید، تمام آب‌های شما فروکش کرده باشد؛ آب‌ها در حلقه اول کره خاکی که اصلاً نمی‌شود آن‌جا رفت، رفته باشد، هر چه برود ذوب می‌شود، آب از کجا می‌خواهید بیاورید؟

صبح بلند شوید، خدای متعال در آسمان‌ها را دیگر ببندد، یک قطره باران ممنوع، برف ممنوع (باشد). این که آب

است که «يَشْتَرِكُ فِيهِ الْجَاهِلُ وَالْبَهَائِمُ»، چه برسد به سایر موارد.

نگاه تو بر «يَا مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ رِزْقُهُ، وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تَوْعَدُونَ» (باشد).

صفت نهم، فرمود که «يَابَاسِطَ الرِّزْقِ»، نه تنها روزی می‌دهد، روزی را می‌گستراند یعنی همه را روزی‌خوار خود می‌کند.

دهم، «يَا مُقَدِّرَ الرِّزْقِ»، مُقَدِّر دو معنا دارد. یکی به معنای تقدیر و اندازه‌گیری است، چون فرمود که «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ»^۳، همه چیز خزائنش پیش ما است، ما به مقدار مشخص نازل می‌کنیم؛ پس خدا مُقَدِّر است.

خدا علامه حسن‌زاده آملی را رحمت کند، می‌فرمودند: «یکی از صفات خدا مهندس است». به خدا می‌گوییم یا مهندس، بعد ایشان می‌فرمودند که مهندس مُعَرَّب مُأَنَدَز است، مُأَنَدَز از اندازه گرفته شده است، اندازه فارسی است، یعنی مقدار. اندازه از آن اسم فاعل ساخته شده، مُأَنَدَز عربی شده است، مهندس شده است، یعنی خدای متعال مُقَدِّر است، یعنی اندازه‌گیر است و حال اینکه خدای متعال به خاطر مصلحت می‌آید روزی بعضی‌ها را می‌کاهد، چرا؟

چون می‌بیند، «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ»، «أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْتَبَ»^۴، می‌آید به اندازه‌ای به او می‌دهد که طغیان نکند. اگر این دنیا نفهمد، آن دنیا سر به سجده شکر می‌گذارد، می‌گوید خدایا از اینکه در طول عمر ماشین من از پژو ۲۰۶، پژو ۲۰۷ نشد، از تو ممنونم؛ چون همین یک مدل ممکن بود من را نابود کند، من کشش همان مقدار بود.

دیگر از صفات، فرمود که «يَا مَنْ يَرْزُقُ بِغَيْرِ حِسَابٍ»، خدای متعال می‌بخشد و در این بخشش کسی جلودارش نیست.

«أَمْرِي حَسْدُونَ النَّاسِ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»^۵، قرآن می‌گوید که شما می‌خواهید حسادت بورزید، من دارم می‌دهم، به تو چه ربطی دارد. حسد نوعی سادیسیم است که من از خوشی دیگران ناخوش باشم. بگو خدایا به او دادی، به من هم بده، نه اینکه از او بگیر و به من بده.

فرمود که از دیگر القاب و صفات خدا در مورد رزق «يَا رَازِقُ كُلِّ مَرْزُوقٍ» است و فرمود که «الَّذِي خَلَقَ فَرَزَقَ»، نکته‌اش این است، خَلَقَ، فَرَزَقَ، بین خلقت و رزق یک اپسیلون فاصله نیست. به مجرد اینکه آفرینش آمد، رزق و روزی الهی هم می‌بارد.

(مجری)

ان‌شاءالله این رزقی که خدا برای ما مقدر می‌کند و در دست ما قرار می‌دهد، در هزینه‌کرد آن هم دقت داشته باشیم که فردا باید پاسخگوی این مسئله هم باشیم. یک بخشی را ببینیم و برمی‌گردیم ادامه صحبت‌های حاج آقا (را پیگیری می‌کنیم).

فرازهایی از خطبه‌های مولا علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه را مرور می‌کنیم.

(تیزر)

خطبه ۱۹۲

ستایش خداوندی را سزااست که لباس بزرگی و عزت پوشید و آن دو را برای خود انتخاب و از دیگر پدیده‌ها بازداشت. آن دو را مرز میان خود و دیگران قرار داد و آن دو را برای بزرگی و عظمت خویش برگزید و لعنت کرد آن کس را که در آرزوی عزت و بزرگی با خدا به ستیزه برخیزد. از این رو فرشتگان مقرب خود را آزمود و فروتنان را از گردن‌کشان جدا فرمود. خداوند اگر اراده می‌کرد آدم (علیه السلام) را از نوری که چشم‌ها را خیره کند و زیبایی‌اش عقل‌ها را مبهوت سازد و عطر و پاکیزگی‌اش حس بویایی را تسخیر کند، می‌آفرید. که اگر چنین می‌کرد گردن‌ها در برابر آدم فروتنی می‌کردند و آزمایش فرشتگان برای سجده آدم (علیه السلام) آسان می‌شد. اما خداوند مخلوقات خود را با اموری که آگاهی ندارند آزمایش می‌کند تا بد و خوب تمییز داده شود و تکبر و خودپسندی را از آن‌ها بزدايد و خودبزرگ‌بینی را از آنان دور کند.

(مجری)

صحبت و سخن ما امروز خدمت حاج‌آقای رضایی تهرانی در مورد صفت رزاقیت حضرت حق است. نکاتی را حاج‌آقا در مورد تعریف واژه‌های رزق و رزاقیت حضرت حق برایشان گفتند و سوال بعدی را خدمت حاج‌آقا مطرح کنم که صفت رزق از صفات ذات حضرت حق یا از صفات فعل است و اگر از صفات فعل است، زیرمجموعه چه صفاتی است؟

(استاد)

بله، آخرین مطلبی که ما در بخش پیشین عرض کردیم، این جمله بود که ما در مورد خدای متعال می‌گوییم «الَّذِي خَلَقَ فَرَزَقًا»، این جمله نشان می‌دهد پس رزق زیرمجموعه خلقت است. اگر خلقت و آفرینشی نباشد، رزق و روزی هم معنا ندارد. شما اگر بچه‌دار نشدی، نیاز به اینکه حالا برای این بچه گهواره‌ای بخواهید تعیین کنید ندارید. بچه که آمد گهواره می‌خواهد، لباس می‌خواهد و روزی می‌خواهد.

خدای متعال اگر نیافریند، قهراً نیازی به روزی دادن هم ندارد. پس رزق زیرمجموعه خلقت است. خود خلقت از صفات فعل است، خلقت از صفات ذات نیست. ما یک مبدأیت و فیاضیت داریم، آن صفت ذات پروردگار است اما خلقت و آفرینش صفت فعل است.

به دیگر سخن، عوالم آفریده شده چیزی جز کار خدا نیستند. خدای متعال ذاتی دارد، اسماء و صفاتی دارد و کاری دارد، به این کار خلقت و آفرینش می‌گوییم. حالا که آفرینش صورت گرفت، هر موجودی آنچه را که برای ادامه حیاتش نیاز دارد، به آن رزق می‌گوییم. رزق در حقیقت چیزی است که بعد از آفرینش خدای متعال به موجودات برای ادامه حیات عنایت می‌کند و این دو گونه است. گاه آنچه که خدا به او عنایت می‌کند صرف وجود بعد از وجود بعد از وجود است، چرا؟

چون فرض این است، این موجود دارای تکامل نیست. مثلاً فرشتگان تکامل‌پذیر نیستند، «وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ».

خدای متعال جبرئیل را آفریده، جبرئیل از ازل تا ابد همان هست که هست، تکاملی در او وجود ندارد. انسان و جن هستند که به خاطر نفس تکامل دارند. خب اگر جبرئیل روزی می‌خورد، یعنی چه؟ یعنی چطور این برق دارد از کارخانه مرتب (برق) می‌گیرد که روشن است، جبرئیل هم دارد مرتب از خدای متعال وجود می‌گیرد که هست، اگر خدای متعال این افاضه را نکند، دیگر جبرئیل نیست.

اما در موجوداتی که تکامل‌پذیرند، علاوه بر این که خدای متعال دارد به آن‌ها هستی می‌بخشد، دارد به آن‌ها چیستی می‌بخشد، دارد به آن‌ها کمال عنایت می‌کند. در حقیقت حیات آن‌ها علاوه بر تحقق اصل وجود، همراه با تحقق فضائل و کمالات وجود است که این بتواند رشد کند. حالا این مثلاً نطفه، علقه بشود، بعد مضغه بشود، بعد «نُورٌ

أَشْأَانُهُ خَلْقًا آخَرَ» بشود. بعد وقتی که به دنیا می‌آید علم و روزی‌های معنوی و روزی‌های مادی (نصیب او می‌شود)، تا این برود و رشد خود را داشته باشد.

پس ما صفت رزق را از صفات فعل می‌دانیم، مکرر گفتیم صفات فعل صفاتی است که از کار خدا انتزاع می‌شود، از ذات خدا انتزاع نمی‌شود. روی صفت خلقت می‌نشیند، حالا خلقت و آنچه که به معنای خلقت است. باری بودن، فاطریت، جاعلیت، منشئیت، مبدأیت، این‌ها همه با خالقیت ارتباط معنایی دارد، روی این دسته از صفات می‌نشیند و بعد نکته این‌جا است که این صفت رزاقیت و رازقیت که روی خالق نشست، می‌آید حیات این موجود را تأمین می‌کند، تا که این حیات تأمین می‌شود، بستگی دارد که این موجود چه موجودی باشد و چه مقدار این رزق برای او لازم باشد. مثلاً ما در مورد حیوانات داریم که حیوانات در صحرای قیامت حضور پیدا می‌کنند ولی دیگر برای حیوان بهشت و جهنمی وجود ندارد. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که حتی اگر یک بز شاخ‌دار به یک بزی که دارای شاخ نیست و او می‌بیند که این مادرزاد دارای شاخ نیست و به او شاخی بزند، این دو را روز قیامت می‌آورند، این بز با شاخ را بی‌شاخ می‌کنند، آن بز شاخ‌دار را بی‌شاخ می‌کنند و این عمل قصاص صورت می‌گیرد، بعد هم هر دو از بین می‌روند؛ دیگر این‌ها به بهشت و جهنم کشیده نمی‌شوند ولی تا وقتی که هستند و اراده الهی بر این تعلق گرفته که باشند، دارند روزی می‌خورند. روزی در حقیقت عامل ادامه حیات مخلوق است، حالا روزی‌ها انواعی دارد، رازقیت خدا انواعی دارد، مرزوقیت مرزوقات تقسیماتی دارد که باید در ادامه برنامه به او برسیم.

(مجری)

درست است، من همین‌جا این سوال را بپرسم چه تقسیماتی برای صفت رزق خداوند وجود دارد؟

(استاد)

بله، ببینید، ما در مورد رزق یک مثلث داریم:

۱. رازقی داریم که روزی می دهد

۲. مرزوقی داریم که روزی می گیرد

۳. رزقی داریم که رازق به مرزوق می بخشد

رازق، مرزوق و رزق یا ما یُرزَق.

براساس هر کدام از این‌ها ما می‌توانیم تقسیماتی را داشته باشیم. مثلاً عرض می‌کنم، رازق یا خدا است یا به ظاهر غیر خدا است. در روایت داریم که اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) فرمودند: «سعی کنید هیچ‌گاه دست خالی به خانه نروید». به مرد می‌گوید، چرا می‌گوید؟

می‌گوید که چون زن و بچه به خاطر هر دلیلی شما را نان‌آور می‌دانند، شما را روزی‌دهنده می‌دانند، این‌طور می‌بینند. خدای متعال دوست ندارد که حالا که کسی را طوری آفریده که دیگری دارد او را رازق می‌بیند، بخواهد این صفت در او تجلی پیدا نکند. بعد هم می‌گوید اگر رفتی، اگر چیزی دستت است، دختر و پسری هستند، به دختر بده. او در حقیقت توقعش از روزی‌رسانی تو از پسر بیشتر است. پسر در اسلام عامل نان‌آوری است؛ «الرَّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»^۸، زن و بچه واجب‌النفقه مرد است، مرد واجب‌النفقه زنش نیست. حالا در بعضی خانواده‌ها برعکس شده حرف دیگری است. اهل بیت (علیهم السلام) هم فرمودند که ما تلاشمان بر این است که در خانه ما روزی‌آور باشیم. خوب، فرض بر این است که خدا رازق است، غیر او هم گاه به ظاهر رازق است ولی با این تفاوت‌ها:

۱. خدا از خود می‌دهد، دیگران از جیب خدا می‌دهند. هیچ‌کس از خود نمی‌دهد؛ از جیب خدا می‌دهند.

۲. خدا بی‌منت می‌دهد، دیگران معمولاً اگر بدهند با منت می‌دهند، یک‌جایی این منت را می‌گذارند.

۳. خدا از قبل هم می‌داده، از ازل تا ابد هم می‌دهد. این حداکثر اگر نعمت و متی بر من داشته باشد، در این دنیا، آن هم در چند صبحی است.

۴. خدای متعال همه چیز می‌دهد اما دیگران قدرت دادن همه چیز را ندارند، در یک محدوده‌ای می‌توانند چیزی به دیگری ببخشند.

۵. خدای متعال ولو نخواهی می‌دهد اما دیگران را تو گاه‌ها باید کلی منت بکشی تا بدهند یا ندهند. خدای متعال می‌بخشد و می‌ریزد به ملحد و عاصی و فاسق. شیطان را خدای متعال ناامید برنگرداند. شما مکه مشرف شدید، ما در طواف خانه خدا، یکی از جملاتی که وقتی می‌خوانیم، ترجمه می‌کنیم، حاجی منقلب می‌شود، می‌گوییم: «يَا مَنْ اسْتَجَابَ لِابْتِغَاءِ خَلْقِهِ إِلَيْهِ إِذْ قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ اسْتَجِبْ لِي»^۹، خدایا تو کسی هستی که شیطان از تو تقاضا کرد، نه نگفتی. گفت که من را تا روز قیامت نگه‌دار، (خدا) گفت که به تو عمر می‌دهم. به او نه نگفتی، به من که حاجی خانه تو هستم، نه نخواهی گفت. گفت که «الْبَيْتُ بَيْتُكَ وَالْحَرَمُ حَرَمُكَ».

۶. خدای متعال مادی و معنوی را هر دو می‌دهد، دیگران اگر بدهند، حداکثر نعمت‌های مادی می‌دهند.

پس این یک تقسیم، گاهی رازق خدا است، گاهی رازق غیر خدا است. عمده فرق به این برمی‌گردد که دیگری که دارد می‌دهد، هر کس باشد، از جیب خودش نمی‌دهد، دارد از جیب خدا خرج می‌کند و من باید در یک نگاه توحیدی ببینم که خدا دارد عالم را روزی می‌دهد، دیگران وسائط و وسایلی بیش نیستند.

(مجری)

خیلی متشکرم، سوالات شما به دستم می‌رسد، یک بخشی را ببینیم و برگردیم، سوالات را مطرح می‌کنم و ادامه بحث را خواهیم شنید.

(تیزر)

«مَا عِنْدَكَ يُنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿۹۰﴾»

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٩٧﴾

سوره مبارکه نحل

آنچه نزد شما است، نابودشدنی است اما آنچه نزد خدا است جاوید و برقرار است. قطعاً پاداش کسانی را که صبر می‌کنند، بهتر و بیشتر از عملکردشان خواهیم داد.

هر باایمانی که کار نیکی انجام بدهد، چه مرد و چه زن باشد، زندگی پاکیزه‌ای به او عطا خواهیم کرد و به همه آن‌ها پاداشی به مراتب بهتر و بیشتر از عملکردشان خواهیم داد.

(مجری)

دعوت می‌کنم همچنان با ما باشید، در مورد صفت رزاقیت حضرت حق صحبت می‌کنیم و قبل از اینکه سوالات شما را بخوانم، حاج آقا سوالی که مطرح کردم را پاسخ را تکمیل بفرمایند، چه تقسیماتی برای صفت رزق خدا وجود دارد؟

(استاد)

بله، عرض کردیم ما از نگاه به رازق می‌توانیم تقسیماتی داشته باشیم، در نگاه به خود رزق هم می‌توانیم تقسیماتی داشته باشیم، این تقسیمات کارساز هم هست.

مثلاً رزق یا مادی یا معنوی است. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِنَّ لِرَبِّكَ فِي أَيَّامِ دَهْرِكَ نَفَحَاتٍ أَلْفَ تَعَرَّضُوا لَهَا ۱۰»، آقا، خانم، در طول مدت عمرت چند بار خدای متعال برایت نفحه جان‌بخشی می‌فرستد. اصلاً نحفه است، می‌بینی راهیان نور رفتی، آنجا داری می‌باری. الان ایام ماه رمضان نزدیک است، می‌بینی شب قدر سبک شدی، این را نگاه دار، خودت را در معرض این بادها و نسیم‌های الهی قرار بده. روزی‌ها همه مادی نیستند، بلکه روزی‌های معنوی به مراتب مهم‌تر از روزی‌های مادی هستند و من خدمت علامه جوادی (حفظه الله) و حضرت آیت الله بهجت (اعلی الله مقامه) در جایی سخنرانی کردم، آمدم پایین، دیدم حضرت آقای جوادی (حفظه الله) به حضرت آقای بهجت (اعلی الله مقامه) عرضه داشتند که برای ما دعا کنید. ایشان فرمودند که خداوند ان شاء الله روزی‌های معنوی نصیب شما بکند، روزی‌های مادی تمام می‌شود، روزی‌های معنوی می‌ماند.

بر همین اساس، در یک تقسیم دیگر رزق یا دنیوی یا اخروی است، همه روزی‌ها دنیوی نیست، بخش عمده‌ای از روزی‌ها اخروی است. خدای متعال فرمود: «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۱۱».

حقیقت زندگی در آخرت است. این‌جا «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۱۲»، انسان در سختی هست، «إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۱۳»، عسر هست، گرسنگی هست، تشنگی هست، مرض هست، مرگ هست، این‌جا ما یک حیوان، ما یک زندگی بانشاط کامل نداریم، پس روزی می‌تواند روزی اخروی باشد و آن روزی‌ها است که روزی اصلی است. سوم، رزق می‌تواند هم کم باشد، هم زیاد باشد، هم کم بودنش حکمت دارد، هم زیاد شدنش حکمت دارد. خدای متعال می‌فرماید که بعضی‌ها که به تعبیر من سربه‌سر ما می‌گذارند و دارند ما و بندگان خوب ما را اذیت می‌کنند، در دست‌وپایشان مال می‌ریزیم، این‌ها جزو مترفین می‌شوند.

یک وقت سر برمی‌دارد، می‌بیند به جای اینکه در جمهوری اسلامی زندگی کند، در بلاد کفر دارد زندگی می‌کند. به جای اینکه در طاقچه‌اش قرآن و مفاتیح باشد، فلان رمان و احیاناً انجیل مُحَرَّف است. به جای اینکه در خانه‌اش کبوتر سفید باشد، سگ دارد واق واق می‌کند. یعنی تمام زندگی‌اش، زندگی غیراسلامی شد. پس روزی می‌تواند کم یا زیاد باشد، هر کدامش هم می‌تواند حکمت‌هایی داشته باشد. آیه صریح قرآن است، تعبیر عجیبی است، «أَيُّ حَسْبُونَ أَنَّمَا تُمَدُّهُمْ بِهِ مِنْ مَّالٍ وَيَنبَغُونَ ۱۴»، ما آمدیم آن‌ها را با ما و بنین امداد کردیم، «هُوَ خَيْرٌ لَهُمْ، بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ»، نه، این را در حقیقت خدا ره‌ایش کرده است، سیلی به او زده است. چهارم، رزق می‌تواند منقطع یا پیوسته باشد.

پنجم، رزق می‌تواند بی‌واسطه یا باواسطه باشد. وحی برای انبیاء بی‌واسطه است، برخی از الهامات برای اولیاء بی‌واسطه است. خیلی از روزی‌ها هم باواسطه انجام می‌شود.

رزق می‌تواند اصل هستی باشد که استمرار وجود را رقم بزند یا نه، کمالات هستی باشد که در حقیقت در بخش گذشته این را خدمتتان عرض کردم.

رزق می‌تواند به مقدار کفاف باشد که این بهترین رزق است، «خَيْرُ الرِّزْقِ مَا يَكْفِي ۱۵»، می‌تواند بیشتر از مقدار

کفاف باشد که این آزمون سختی است، می‌تواند کمتر از مقدار کفاف باشد که این هم آزمون سختی است و لذا اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند که خدایا تا ما را زنده می‌داری روزی کافی به ما بده. نه دستمان در مقابل کسی دراز باشد، نه به ما جوری بدهی که باعث استغناء و باعث بظر ما به تعبیر اهل بیت (علیهم السلام)، یعنی باعث سرکشی ما شود که «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ، أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْتَى».

یک تقسیم دیگر این‌جا است که این تقسیم را بعداً باید روی آن بحث کنیم که آیا روزی می‌تواند حلال یا حرام باشد یا نه.

آیا حرام هم روزی خدا هست یا روزی خدا نیست؟

یک خانواده‌ای نشستند مفصل گوشت خوک خوردند، بعد هم مشروب خوردند، با خوردن گوشت خوک سیر شدند، با خوردن مشروب سیراب شدند، آیا به این‌ها روزی داده شده یا نشده؟

خواهیم گفت که رزق می‌تواند حلال یا حرام باشد، حالا رزق حرام به چه معنا بحث کلامی دارد، ما هم به آن خواهیم پرداخت. سراغ مرزوق می‌آییم، مرزوق هم تقسیماتی دارد. مرزوق گاهی مکلف است، گاهی غیر مکلف است. انسان و جن مکلف هستند اما فرشته و حیوان مکلف نیستند. مرزوق گاهی فانی و گاهی باقی است، یعنی چه؟

یعنی ما و جنیان باقی هستیم، چون ما خالد و مخلد هستیم، ان‌شاءالله در بهشت و بعضی‌ها در جهنم (خالد هستند)، اما یک‌سری از مرزوق‌های الهی چنانچه قبلاً عرض کردم، این‌ها باقی نیستند، حداکثر تا قیامت هستند، دیگر نیستند.

مرزوق می‌تواند خداشناس باشد، می‌تواند خداشناس باشد. خداشناس می‌تواند دوستدار خدا باشد، می‌تواند دوستدار خدا نباشد. فرعون خداشناس بود، خدا را می‌شناخت اما دوستدار خدا نبود. مأمون امام‌شناس بود، امام رضا (علیه السلام) را بیشتر از هر کس می‌دانست امام است ولی امام‌کش بود چون «الْمَلِكُ عَقِيرٌ».

مرزوق می‌تواند برای روزی خوردن مأمور به حرکت باشد یا مأمور به حرکت نباشد که به این باید برسیم. تنها گروهی که گفته شده ولو به ظاهر حرکتی نکنند، خدا روزی آن‌ها را می‌رساند، کسانی هستند که به دنبال علم نافع‌اند و دانشجو، دانش‌آموز، دانش‌گستر، کسی که به سمت علم و دانش رفته است، خدا می‌گوید که روزی تو با من است. عملاً هم دیدیم، بسیاری از کسانی که فقط به دنبال دانش بودند و کوچکترین گامی در راه مسائل مادی و مالی برنداشتند، زندگی‌شان را خدای متعال به خوبی تأمین کرده است.

(مجری)

درست است، یک بخشی را با هم ببینیم و برگردیم، سوالات شما را که تعدادش هم زیاد شد را خدمت حاج‌آقا مطرح کنم و پاسخش را دریافت کنیم.

(تیزر)

خدایا بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندانش درود بفرست و من را در این جهان و آن جهان در حال خشنودی و خشم از خطاها به دور دار و از لغزش‌ها پرهیزان تا خشنودی و خشم برای من یکسان باشد و از تو فرمانبرداری کنم و خشنودی تو در حق دوستان و دشمنان را بر خشم و خشنودی خویش ترجیح بدهم؛ آنگونه که دشمنم از جور من در امان ماند و دوستم از هواخواهی ناحق من ناامید بشود و من را از کسانی قرار بده که هنگام آسودگی تو را مخلصانه می‌خوانند، آن‌سان که بیچارگان هنگام درماندگی. آری، تو ستوده و بزرگواری.

فرازی از مناجات امام سجاد (علیه السلام)

(پایان تیزر)

(مجری)

حدوداً ده دقیقه فرصت دارم امروز خدمت حاج‌آقا باشم و ان‌شاءالله قول می‌گیرم جلسات آتی هم در مورد بحث رزاقیت حضرت حق برایمان صحبت کنند.

اما سوالات بینندگان، اگر ما هم در عالم آخرت مرزوق خداوند باشیم، ما هم «عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ» هستیم؟

(استاد)

یقیناً، به این معنا که حتی آن جهنمی‌ها هم دارند روزی می‌خورند، چرا؟

«كَمَا نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلًا لَهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ ۱۶»، خب جهنمی دارد می سوزد، پوستش جمع می شود، سیاه می شود، عفونت می کند و از بین می رود. خدا پوست تازه می رویاند، آن پوست تازه روزی او است، منتها روزی ای که مایه درد و رنج و عذاب او است.

ولی اگر کسانی بخواهند «عِنْدَ رَبِّهِمْ رِزْقًا»، که در مورد شهدا گفته شده است، در مورد آن‌ها صادق باشد، یقیناً کسانی که بهشتی باشند، کسانی که اهل بیته باشند، کسانی که قرآنی باشند، به یک معنا خدایی باشند و خدا از آن‌ها راضی باشد، «رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ۱۷»، این‌ها یقیناً «عِنْدَ رَبِّهِمْ رِزْقًا» هستند.

(مجری)

روزی موجوداتی که تکامل ندارند، با آن‌هایی که تکامل دارند یکسان هست؟

(استاد)

نه، در ضمن سخن هم عرض کردیم، موجوداتی که تکامل ندارند، روزی آن‌ها اصل وجود آن‌ها است که مرتب دارد به آن‌ها افزایه می شود. چون وجود اینگونه نیست که یکبار افزایه بشود، بعد خدای متعال برود کناری بنشیند استراحت کند. نه، گفتیم که علت محدثه همان علت مبقیه است. «كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ ۱۸»، خدای متعال دائماً در حال آفرینش است، دائماً در حال هستی بخشی است. خدای متعال به موجوداتی که تکامل پذیر نیستند، اصل هستی را می بخشد اما به موجوداتی که تکامل پذیرند، علاوه بر اصل هستی، باید آنچه را که مایه تکامل است، به عنوان روزی به آن‌ها داده بشود، چه این که داده است. به ما فرمود: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۱۹»، ابزار داده، این ابزار را باید سالم نگه دارد، باید رشد بدهد. تو با این ابزار بینی، شنوی، بخوانی، شهید شهریاری بشوی، شهید حاج قاسم سلیمانی بشوی. پس در حقیقت همانطور که دارد اصل وجود را می دهد، دارد کمالات وجود را هم افزایه می کند.

(مجری)

اگر مانند فلاسفه، اصل فیض خدا را قدیم دانستیم، می توانیم همه روزی‌ها را حادث بدانیم؟

(استاد)

ببینید، معمولاً بحث روزی را به مستفیض گره می زنند، اصل روزی را به فیض گره نمی زنند، چون اصل فیض الهی قدیم است و به یک معنا در مورد آن فیلسوفان تعبیر به صدور می کنند، تعبیر به خلقت نمی کنند. خلقت نوعی تجدد و حدوث در آن نهفته است. لذا اگر بحث را زیرمجموعه خلقت بردیم باید بگوییم که روزی به مستفیض مربوط است. مرحوم حاجی سبزواری فرمود: «وَالْفَيْضُ مِنْهُ دَائِرٌ مُتَّصِلٌ، وَالْمُسْتَفِيضُ دَائِرٌ وَرَائِلٌ». مستفیض یک روز هست و یک روز نیست، حادث است، قهراً روزی او هم چه می شود؟ حادث است. اما اصل فیض الهی قدیم است چون اصل فیض الهی قدیم است، قهراً دیگر روزی به این معنا در مورد او معنا ندارد.

(مجری)

این که گفته شده از تو حرکت، از خدا برکت، یعنی بدون حرکت روزی او قطع می شود؟

(استاد)

انشاء الله خواهیم گفت که ما دو روزی محتوم و غیرمحتوم داریم. یعنی یک روزی ای است که خدای متعال برای هر موجودی روزی کرده است که این حتمی است. چه نخواهد، چه نخواهد این روزی را دارد.

(مجری)

گر نستانی به ستم می دهند...

(استاد)

همین است، الآن ما این جا که نشستیم داریم تنفس می کنیم، روزی چند خروار تنفس می کنیم؟ این روزی ما نیست؟!

ما داریم می‌بینیم، یعنی با خارج ارتباط امواج بینایی پیدا می‌کنیم. ما داریم می‌شنویم، تمام سلول‌های ما دارند می‌گیرند، پس می‌دهند، این‌ها همه روزی است، گر نستانی به ستم می‌دهند، این‌ها روزی محتوم است. یک بخش روزی‌هایی است که به یک معنا محتوم است، به اعتبار لوح محو و اثبات و به اعتبار لوح محفوظ اما به یک معنا چون ما نمی‌دانیم برای ما محتوم نیست؛ به اعتبار این روزی‌هایی که ما چون نمی‌دانیم برای ما محتوم نیست، به ما گفتند که تو نمی‌دانی که روزی‌ات چه قدر است، روزی‌ات کجا است، حرکت کن، از تو حرکت، از خدا برکت.

لذا شما در تعقیبات نماز ظهر و عصر شما می‌بینید که این جمله را خطاب به خدای متعال داری. حالا نماز ظهر و عصر، عشاء، مغرب، این جمله است که خدایا من نمی‌دانم روزی‌ام چه قدر است، روزی‌ام کجا است، «فِی أُمَّیِّ بَلَدٍ»، به دست که هست، به دست که نیست، تو می‌دانی، تو کاری کن که من در بدست آوردن روزی‌ام اذیت نشوم و آزار نبینم.

(مجری)

آیا عقل می‌تواند بخشی از علل وسعت رزق یا تنگ گرفتن روزی از طرف خدا را بفهمد، نظیر آن که گفتند: «یارب مباد آنکه گدا معتبر شود».

(استاد)

اصلاً امثال خود این مثل‌ها نشانگر این است که جواب این سوال مثبت است، یعنی چه؟ یعنی ما هم که بررسی می‌کنیم، به خودمان می‌گوییم که این اگر یک ساختمان پنج طبقه پیدا کند و یک ماشین بنز زیر پایش باشد، دیگر خدا را بنده نیست. یعنی این را گاهی وقت‌ها ما هم می‌فهمیم. یعنی خدای متعال این قدر به انسان عقل و شعور داده که گاهی انسان می‌بیند (او ظرفیت ندارد). برعکس می‌بینیم یک کسی است که جد اندر جد نازپرورده بوده است، این یک مقدار اگر به او تنگ گرفته بشود، قدرت تحمل ندارد؛ گرچه در حقیقت «إِنَّ اللَّهَ يَسِطُ وَيَقِضُ، إِنَّ اللَّهَ يَسِطُ وَيَقْدِرُ»، خدا تنگ می‌گیرد یا گشاده‌دستی می‌کند را خدا می‌داند ولی عقل خدادادی و تجربه انسانی هم نشان داده که اگر دقت کند او هم می‌فهمد که نسبت به بعضی‌ها اگر خدا مقداری زیاد بدهد، به بعضی‌ها مقداری کم بدهد، هر دو بر نمی‌تابند و از راه راست منحرف می‌شوند.

(مجری)

این سوال هم به دستم رسیده که مادر من یک عمر نداری و سختی و مستأجری کشیدند و آخر عمر هم سرطان گرفتند و فوت کردند؛ خدا کجا به مادرم روزی داد و چرا؟

(استاد)

من نمی‌دانم مادر ایشان در چند سالگی فوت کردند ولی سیده‌النساء العالمین که فاطمه الزهرا (سلام الله علیها) است، هجده سالگی یا نه بگو ۲۵ سالگی از دنیا رفتند. من یک موقع حساب کردم، دیدم میانگین عمر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) جز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که استثناء است ۴۹ سال است؛ میانگین عمر سیزده معصوم ما ۴۹ سال است، یعنی میانگین به ۵۰ سالگی نمی‌رسد. ما در این دنیا آمده‌ایم برای

اینکه امتحاناتی را پشت سر بگذاریم، «لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۲۰».

خود فقر را خواهیم گفت که جزو بالاترین نعمت‌ها می‌تواند باشد، چه اینکه هر کس با یک عاملی از دنیا می‌رود، گاه با سرطان است، گاه با تصادف است، گاه با کرونا است، چند هزار نفر را از بشریت کم کرد. در قدیم گاه با طاعون بوده، گاه با وبا بوده، طاعون می‌آمده یک قبیله‌ای را نابود می‌کرده، صرف اینکه حالا اگر مادر سرطان گرفتند، بعد هم ما می‌گوییم که یک‌سری از مریضی‌ها است تمام گناهان را پاک می‌کند. کسی اگر مبطون باشد و به مریضی اسهال از دنیا برود، مسلوس باشد، به مریضی عطش از دنیا برود، استسقاء، کسی اگر با تب شدید از دنیا برود و اهل ولایت باشد، فرمودند که ثواب شهید را دارد. حالا اگر کسی از زنان مومنات، شیعیان امیرالمومنین (علیه السلام)، مردان مومن از دنیا رفت با مریضی سختی مثل سرطان، خود این می‌تواند مایه مغفرت باشد.

(مجری)

این سوال را هم بپرسم، گرچه می‌دانم در آینده به آن خواهیم پرداخت، گفتند این سوال که سوال بسیاری از پیران و جوانان هست را بپرسید که چرا یک نفر گنجشک‌روزی و دیگران فراخ‌روزی هستند؟

(ادامه سوال)

لطفاً جواب جدید بدهید، چون اینکه یکی را امتحان و دیگری را خدا به خود وا گذاشته و این طور چیزها را خیلی شنیدیم.

(استاد)

ان شاء الله اگر در ادامه برنامه جلو رفتیم، ما حدود ۱۸۰ مورد از مواردی را که در روایات و آیات ما آمده، حدود صد مورد از مواردی را که می‌گوید این‌ها در گشایش روزی نقش دارد و حدود هشتاد مورد از مواردی که می‌گوید این‌ها در تنگ شدن روزی نقش دارد، این را برای عزیزان خواهیم گفت. مثلاً عرض می‌کنم، جنیان به موسیقی علاقه دارند، این خانه دائماً از آن موسیقی پخش می‌شود و جنیان کافر دائماً در آن رفت‌وآمد می‌کنند. نفس حضور آن‌ها در یک خانه خبثت ایجاد می‌کند، شاید کسی اصلاً در این زمینه توجهی نداشته باشد. یک سری کارهای جزئی است (که باید به آن‌ها دقت بشود)، ناخن گرفتن در روز جمعه و غسل جمعه روزی را فروان می‌کند. امیرالمومنین (علیه السلام) وقتی می‌خواستند بگویند کسی چه قدر تنبل است، می‌فرمودند این از کسی که غسل روز جمعه را ترک می‌کند تنبل تر است؛ یعنی غسل جمعه نباید ترک بشود؛ روزی را گشاده می‌کند. من باید ببینم دستوراتی که در دین گفته شده که روزی تنگ می‌شود یا روزی گشاده می‌شود را عمل کردم و تغییری ندیدم یا عمل نکردم. من معمولاً در مواردی که این سوال مطرح است و مراجعه کردند، دیدم نه، اینگونه نیست.

(مجری)

خیلی متشکرم، برای جلسات آتی قول بگیرم، از شما متشکرم.

فهرست منابع

۱. خصال، ص ۱۲۲، ح ۱۱۴
۲. سوره ذاریات، آیه ۲۲
۳. سوره حجر، آیه ۲۱
۴. سوره علق، آیه ۶ و ۷
۵. سوره نساء، آیه ۵۴
۶. سوره صافات، آیه ۱۶۴
۷. سوره مومنون، آیه ۱۴
۸. سوره نساء، آیه ۳۴
۹. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، جلد ۷، صفحه ۱۲۹
۱۰. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، جلد ۶۸، صفحه ۲۲۱
۱۱. سوره عنكبوت، آیه ۶۴
۱۲. سوره انشراح، آیه ۶
۱۳. سوره مومنون، آیه ۵۵
۱۴. تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۳۲۱ به نقل از مجمع البیان
۱۵. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹
۱۶. سوره نساء، آیه ۵۶
۱۷. سوره مائده، آیه ۱۱۹
۱۸. سوره الرحمن، آیه ۲۹
۱۹. سوره نحل، آیه ۷۸
۲۰. سوره ملک، آیه ۲